

دانشنامه جهان اسلام

خ

خانه - خلعت

(۱۵)



زیر نظر
علاء‌المطلبی صدرا و عادل

تهران ۱۳۹۰



دانشنامه جهان اسلام

جلد پانزدهم

چاپ اول: ۱۳۹۰ / تعداد ۵۰۰۰ نسخه

حروف نگاری و صفحه‌آرایی: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت افست (سهامی عام)

نظارت چاپ، نشر، توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع

تهران - خیابان فلسطین، شماره ۳۸۲، شماره پستی ۱۴۱۶۶، صندوق پستی ۱۱۳۶۵-۳۸۸۵، شماره ۸۸۹۶۹۲۰۱

پایگاه اینترنتی: www.encyclopaediaislamica.com

www.daneshname.com

www.ewi.ir

این کتاب با تسهیلات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده است.

همه حقوق برای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی محفوظ است.

قیمت: ۲۵۰۰۰۰۰ ریال

دانشنامه جهان اسلام / زیر نظر غلامعلی حداد عادل. - تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ -

ج. : مصور (بخشی رنگی)

ISBN:978-600-447016-2 (v.15)

ص.ع. به انگلیسی:

Encyclopaedia of the world of Islam (in Persian)

کتابنامه

۱. اسلام - دایرةالمعارفها. ۲. کشورهای اسلامی - دایرةالمعارفها. ۳. ایران -

دایرةالمعارفها. ۴. تمدن اسلامی - دایرةالمعارفها. ۵. فرهنگ اسلامی - دایرةالمعارفها.

الف. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۲۴ - ب. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

۲۹۷/۰۳

BP/۵/۲/د ۲

ختنه، سنتی دیرین در ادیان الهی که در شریعت اسلام پذیرفته شده است.

واژه ختنه از ریشه خ ت ن به معنای قطع کردن و بریدن و در کاربرد عام به معنای بریدن پوست بر آمده از آلت تناسلی مردان و زنان است. در متون عربی و دینی به جای آن بیشتر واژه ختنان به کار رفته است (← خلیل بن احمد؛ ابن منظور؛ فیروزآبادی، ذیل «ختن»). همچنین کاربرد واژه اعذار برای ختنه مرد و زن و نیز واژه خَفْض، به ویژه در مورد ختنه زنان، رواج دارد. به کسی که ختنه نشده باشد، أَقْلَف / أَغْلَف گفته می شود (← ابن اثیر؛ ابن منظور، ذیل «ختن»، «خفص»، «غلف»، «قلف»).

۱) **مباحث فقهی**. مفهوم دقیق ختنه مردان بر پایه متون حدیثی و فقهی، عبارت است از برداشتن تمام یا بخشی از پوستی که حشفه را می پوشاند، و ختنه زنان بریدن بخشی از پوست آلت تناسلی در بالای محل خروج ادرار است (← ابن ادریس حلی، ج ۳، ص ۴۸۱؛ نووی، المجموع، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۲؛ بهوتی حنبلی، ج ۱، ص ۹۳). ختنه به عنوان سنت اجتماعی و دینی در دوره های گوناگون میان مسلمانان رواج داشته و بر اثر تداخل با آداب و رسوم متداول در میان ملتها، جزئیات آن اشکال متفاوتی یافته است (← د. اسلام، چاپ دوم، ذیل «ختان»).

سنت ختنه در ادیان و جوامع قدیمی نیز سابقه داشته است. بنابر آنچه در تورات (← سفر پیدایش، ۱: ۱۷، ۹-۱۳) ذکر شده، حضرت ابراهیم علیه السلام در ۹۹ سالگی مورد خطاب الهی قرار گرفت و مأمور شد که خود و اولاد ذکور از نسل خود را به نشانه پیمان بستن با خداوند ختنه کند. این سنت در میان یهودیان هم متداول بوده و هست و آنان ختنه نکردن را بسیار ناپسند می شمارند. شیوه ختنه و شرایط آن در شریعت یهود با احکام اسلامی آن تشابه بسیار دارد. در مسیحیت ایمان به خدا و غسل تعمید به جای ختنه نشانه پیمان الهی تلقی شده است (← سفر پیدایش، ۳۴: ۱۵-۱۸؛ رومیان، ۲: ۲۵-۲۹، ۳: ۴؛ د. جودائیکا، ج ۴، ص ۷۳۰-۷۳۴). یهودیان اغلف را نجس شمرده و از بسیاری از حقوق محروم می دانستند (← ذیب، ص ۵۲).

در قرآن ختنه به صراحت ذکر نشده است، ولی احادیث و منابع تفسیری برخی آیات را اشاره کننده به آن دانسته اند. مثلاً سنت ابراهیمی ختنه از جمله مصادیق «کلمات» در آیه ۱۲۴ سوره بقره، «مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» در آیه ۱۲۵ سوره نساء و «حنفاء» در آیه ۵ سوره بینه به شمار رفته است (← طبری؛

واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، تاریخ ترکهای آسیای مرکزی، ترجمه غفار حسینی، تهران ۱۳۷۶ ش؛ همو، ترکستان نامه: ترکستان در عهد هجوم مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۶۶ ش؛ محمدبن نجیب بکران، جهان نامه، چاپ محمدامین ریاحی، تهران ۱۳۴۲ ش؛ جوبنی؛ عبدالله بن لطف الله حافظ ابرو، زبده التواریخ چاپ کمال حاج سیدجوادی، تهران ۱۳۸۰ ش؛ حدود العالم؛ همان، با مقدمه بارتولد و حواشی و تعلیقات مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه، کابل ۱۳۴۲ ش؛ رشیدالدین فضل الله؛ محمدبن محمد زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ علی شیری، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴؛ شمس الدین خالد سامی، قاموس الاعلام، چاپ مهران، استانبول ۱۳۰۶-۱۳۱۶/۱۸۸۹-۱۸۹۸؛ سمعانی؛ زین العابدین بن اسکندر شیروانی، حدائق السیاحه، تهران ۱۳۴۸ ش؛ عبدالحکیم عقیفی، موسوعة 1000 مدينة اسلامیه، بیروت ۲۰۰۰/۱۴۲۱؛ آیرین فرانک و دیوید براونستون، جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران ۱۳۷۶ ش؛ قابوس بن وشمگیر، قابوس نامه، چاپ غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، چاپ عبدالحی حبیبی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ رنه گروسه، امپراطوری صحرائنوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران ۱۳۶۵ ش؛ گیتاشناسی نوین کشورها، گردآوری و ترجمه عباس جعفری، تهران؛ گیتاشناسی، ۱۳۸۲ ش؛ علی اکبر مظاهری، جاده ابریشم، ترجمه ملک ناصرنویان، تهران ۱۳۷۲-۱۳۷۳ ش؛ معین الدین نطنزی، منتخب التواریخ معینی، چاپ پروین استخری، تهران ۱۳۸۳ ش؛ میخواند؛ آرمین وامبری، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجهنویان، تهران ۱۳۳۷ ش؛ یوزف فون هارم-پورگشتال، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزازکی علی آبادی، چاپ جمشید کیانفر، تهران ۱۳۶۷-۱۳۶۹ ش؛

Jean - Pierre Drège and Emil M. Bührer, *The Silk Road Saga*, [translation from the French by Adrian Room], New York 1989; *ET²*, s.v. "Khotan" (by L. Hambis); Marco Polo, *The book of Ser Marco Polo the Venetian concerning the kingdoms and marvels of the East*, translated and edited, with notes by Henry Yule, 1871, 3rd. ed. by Henry Cordier, 1903-1920, repr. London 1975; *ibid: The travels of Marco Polo*, tr. and ed. William Marsden, London 1946; Paul Robert, *Le Robert encyclopédique des noms propres*, ed. Alain Rey, Paris 2008; Aurel Stein, *Sand-buried ruins of Khotan*, London 1904, repr. New Delhi 2000; *The Times comprehensive atlas of the world*, London: Times Books, 2005; Frances Wood, *The Silk Road: two thousand years in the heart of Asia*, Berkeley, Calif. 2002.

/ اصغر کریمی /

طوسی، التبیان؛ طبرسی، ذیل همین آیات). همچنین مراد از «صِبْغَةَ اللَّهِ» در آیه ۱۳۸ سوره بقره به نظر برخی مفسران، شریعت الهی درباره ختنه است (طوسی، التبیان؛ طبرسی؛ ابن جوزی، ذیل آیه). همچنین در احادیث به پیشینه این سنت دیرین و شرایط و چگونگی آن در اسلام پرداخته شده است. برخی احادیث ختنه حضرت ابراهیم را در هشتاد سالگی ذکر کرده‌اند (ع احمدبن حنبل، ج ۲، ص ۳۲۲؛ بخاری، ج ۴، ص ۱۱۱؛ قاضی نعمان، ج ۱، ص ۱۲۴؛ قس خطیب شربینی، ج ۴، ص ۲۰۳ که سنین دیگری را نقل کرده است). پاره‌ای احادیث نخستین مختون مرد را حضرت ابراهیم و نخستین مختون زن را هاجر مادر اسماعیل علیه السلام دانسته‌اند (ع حرّعاملی، ج ۲۱، ص ۴۴۳). بنا بر برخی احادیث، پیامبر اکرم را پس از تولد، عبدالمطلب، و بر پایه برخی دیگر جبرئیل، ختنه کرد. روایاتی دیگر حاکی است که آن حضرت مختون متولد شده است (ع ابن‌عبدالبرّ، ۱۴۱۰، ج ۲۳، ص ۱۴۰؛ سیوطی، ص ۱۷۰؛ مجلسی، ج ۱۵، ص ۲۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹۹)؛ همچنان که بنا بر احادیث، برخی پیامبران و امامان نیز ختنه شده به دنیا آمده‌اند و این از ویژگی‌های امام به‌شمار رفته است (ع کلینی، ج ۱، ص ۳۸۸؛ ابن‌بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۹۴؛ حرّعاملی، ج ۲۱، ص ۴۳۸).

بر این اساس، باید ختنه را سنتی دانست که پیش از اسلام متداول بوده و پس از آن، البته با شرایط و قیودی خاص، تداوم یافته است. با این همه، مذاهب مختلف اسلامی درباره چگونگی حکم آن اختلاف نظر دارند. به موجب فقه امامی، خودداری از ختنه بر مردان جایز نیست. حتی اگر کسی در دوران کهن‌سالی به دین اسلام بگردد، ختنه بر او واجب است و وجوب ختنه از ضروریات دین خوانده شده است. بر این اساس، طواف شخص ختنه ناکرده (اغلف) باطل است و نیز نمی‌تواند امام جماعت شود (ع مفید، ص ۴۴۲؛ علم‌الهدی، ج ۳، ص ۳۹؛ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۱۵۵؛ نجفی، ج ۳۱، ص ۲۶۳). حتی برخی بر آن‌اند که بر پیکر شخص اغلف نمی‌توان نماز میت گزارد (برای نمونه ع غروی تبریزی، ج ۹، ص ۱۳). البته شماری از فقیهان امامی در برخی فروض میان مقصر بودن یا نبودن شخص مزبور و میان توانایی داشتن یا نداشتن برای ختنه، تفاوت قائل شده‌اند (ع علامه حلی، ۱۴۱۲-۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۷، ۶۰؛ شهید اول، ص [۲۷۰]).

شافعیان و حنبلیان نیز به وجوب ختنه مردان قائل‌اند (ع نووی، المجموع، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ ابن‌تیمیه، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۳؛ نیز برای آرای دیگر در فقه شافعی ع نووی، المجموع، ج ۱، ص ۳۰۰). در برابر، حنفیان و مالکیان ختنه کردن را بر مردان واجب ندانسته‌اند، بلکه از آن‌رو که ختنه را نوعی سنت

انگاشته‌اند، آن را مستحب شمرده و کارهایی چون امامت جماعت را برای اغلف جایز و شهادت دادن او را پذیرفتنی دانسته‌اند (ع ابن‌عبدالبرّ، ۱۴۰۷، ص ۶۱۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ج ۱۰، ص ۲۸۷؛ طوری، ج ۷، ص ۱۶۱؛ آبی‌زهری، ج ۱، ص ۷۹). فقهای شیعه و اهل سنت برای وجوب ختنه مردان به آیه ۱۲۳ سوره نحل (أَنْ أَتَّبِعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا؛ اینکه از آیین ابراهیم که ایمان او خالص بود، پیروی کن) استناد کرده‌اند. آنان به استناد احادیث، مراد از روش و سنت ابراهیم در این آیه را ختنه دانسته‌اند، همچنان‌که در منابع فقهی به احادیث متعدد دیگر و اجماع هم استناد شده است (ع بیهقی، ج ۸، ص ۳۲۳-۳۲۵؛ طوسی، کتاب‌الخلاص، ج ۵، ص ۴۹۴-۴۹۵؛ ابن‌تیمیه، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ خطیب شربینی، ج ۴، ص ۲۰۳). به نظر مشهور فقهای امامی، زمان وجوب ختنه، هنگام بلوغ است. هرچند شماری از فقها به وجوب ختنه بر ولی کودک قائل‌اند، ولی مخالفان این نظر، با استناد به اصل برائت آن را بر ولی واجب ندانسته و احادیثی را که اولیا را به ختنه فرزندان خود ترغیب کرده‌اند، دالّ بر استحباب این کار شمرده‌اند (ع بحرانی، ج ۲۵، ص ۴۹، ۵۴؛ نجفی، ج ۳۱، ص ۲۶۱-۲۶۲). همچنان‌که اهل سنت نیز ختنه نابالغ را بر ولی او مستحب دانسته‌اند (نووی، المجموع، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۰۳). ختنان (ختنه‌کننده) می‌تواند در برابر کار خود اجرت دریافت کند و تنها در صورتی ضامن است که مهارت کافی نداشته باشد یا در کار خود تعدی یا تفریط نماید (ع طوسی، کتاب‌الخلاص، ج ۳، ص ۵۰۳؛ ابن‌قدامة، ج ۶، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۸۵). به نظر برخی فقها، هرگاه مرد بالغ از ختنه خودداری کند، حاکم اسلامی موظف است او را به این کار وادارد (ع ابن‌ادریس حلی، ج ۳، ص ۴۸۱؛ نووی، روضة‌الطالبین، ج ۷، ص ۳۸۷-۳۸۸).

بیشتر مذاهب فقهی، ختنه زنان را واجب ندانسته و به استحباب آن قائل‌اند (ع طوسی، النهایة، ص ۵۰۲؛ ابن‌قدامة، ج ۱، ص ۷۰؛ نجفی، ج ۳۱، ص ۲۶۱). از جمله مستندات این فقها، احادیث و به‌ویژه این حدیث مشهور است که ختنه برای مردان سنت است و برای زنان فضیلت و شرافت (الْخِتَانُ سُنَّةٌ لِلرِّجَالِ وَ مَكْرُمَةٌ لِلنِّسَاءِ؛ ع کلینی، ج ۶، ص ۳۷؛ بیهقی، ج ۸، ص ۳۲۵). برخی فقها از این حدیث، وجوب ختنه بر مردان را هم استفاده کرده‌اند (برای نمونه ع ابن‌قدامة؛ نجفی، همانجاها). در برابر، فقهای شافعی ختنه زنان را واجب شمرده و به احادیثی دیگر استناد کرده‌اند (برای نمونه ع نووی، المجموع، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ خطیب شربینی، ج ۴، ص ۲۰۲). بانوجه به رواج ختنه دختران در مصر و واکنش شدید برخی مدافعان حقوق زنان، در این کشور قوانینی به تصویب رسید تا ختنه دختران را محدود سازد (ع ذیب، ص ۳۱۰-۳۱۲).

احمدین حنبل، مسند الامام احمدین حنبل، بیروت: دارصادر، [بی تا]؛
 یوسفین احمد بحرانی، الخدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة،
 قم ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش؛ محمدین اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، [چاپ
 محمد ذهنی افندی]، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱، چاپ افست بیروت [بی تا]؛
 منصورین یونس بهوتی حنبلی، کشف القناع عن متن الاقناع، چاپ
 مسعود حسن شافعی، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸؛ احمدین حسین بهیقی،
 السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، [بی تا]؛ حرّعاملی؛ محمدین احمد
 خطیب شریینی، معنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج،
 [قاهره] ۱۹۵۸/۱۳۷۷؛ خلیلین احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مخرومی
 و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۹؛ محمدین احمد دسوقی، حاشیة الدسوقی
 علی الشرح الکبیر، [بیروت]؛ دار احیاء الکتب العربیة، [بی تا]؛ سامی ذیب،
 مؤامرة الصمت ختان الذکور و الإناث عند اليهود و المسیحیین و
 المسلمین الجدل الدینی و الطبی و الاجتماعی و القانوني، دمشق
 ۲۰۰۳؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، تنویر الحوالک شرح علی
 موطأ مالک، چاپ محمد عبدالعزیز خالدی، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸؛ محمد
 شوکانی، نیل الأوطار من احادیث سید الاخیار: شرح منقح الاخیار،
 بیروت [۱۹۹۲/۱۴۱۲]؛ محمدین مکی شهید اول، ذکر الشیعة فی
 احکام الشریعة، چاپ سنگی [تهران ۱۲۷۲]؛ زین الدین بن علی شهید ثانی،
 مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ طبری؛
 طبری، جامع؛ محمدین علی طوری، تکملة البحر الرائق شرح
 کنز الدقائق، در ابن نجیم، البحر الرائق، ج ۹، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸؛
 محمدین حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ احمد حبیب
 فصیر عاملی، بیروت [بی تا]؛ همو، کتاب الخلاف، چاپ محمد مهدی
 نجف، جواد شهرستانی، و علی خراسانی کاظمی، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۷؛ همو،
 المسبوط فی فقه الامامية، نهران: المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷-۱۳۸۸؛
 همو، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالاندلس، [بی تا]،
 چاپ افست قم [بی تا]؛ حسن بن یوسف علامه حلی، تذکرة الفقهاء، قم
 ۱۴۱۴-؛ همو، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم ۱۴۱۲-
 ۱۴۲۰؛ علی بن حسین علم الهدی، رسائل الشریفة المرتضی، چاپ
 مهدی رجائی، قم ۱۴۰۵-۱۴۱۰؛ علی غروی تبریزی، التنقیح فی شرح
 العروة الوثقی: کتاب الصلاة، تقریرات درس آیت الله خوئی، ج ۹، قم
 ۱۴۱۰؛ محمدین یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط، بیروت ۱۴۱۲/۱۴۱۲؛
 ۱۹۹۱؛ نعمان بن محمد قاضی نعمان، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و
 الحرام و القضايا و الاحکام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره
 [۱۹۶۳-۱۹۶۵]، چاپ افست [قم، بی تا]؛ کلینی؛ مجلسی؛ محمدین محمد
 مفید، الْمُقَبَّعة، قم ۱۴۱۰؛ محمد حسن بن باقر نفی، جواهر الکلام فی
 شرح شرائع الاسلام، ج ۳۱، چاپ محمود فوجانی، بیروت ۱۹۸۱؛
 یحیی بن شرف نووی، روضة الطالبین و عمدة المفتین، چاپ عادل
 احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت [بی تا]؛ همو، المجموع؛
 شرح الْمُتَهَدَّب، بیروت: دارالفکر، [بی تا]؛

Encyclopaedia Judaica, 2nd ed., Detroit 2007, s.v.
 "Circumcision"; EI², s.v. "kh itān" (by A. J. Wensinck).

برای ختنه، قطع نظر از وجوب یا استحباب آن در مذاهب
 گوناگون، آدابی مستحب در احادیث و منابع فقهی ذکر شده
 است. مثلاً فقهای شیعه و شافعی به استناد احادیث (از جمله
 حدیث منقول درباره ختنه امام حسن و امام حسین
 علیهما السلام) ختنه را در روز هفتم ولادت نوزاد مستحب
 شمرده اند (به بهیقی، ج ۸، ص ۳۲۴؛ نووی، المجموع، ج ۱،
 ص ۳۰۳؛ شهید ثانی، ج ۸، ص ۴۰۳-۴۰۲)، ولی در منابع فقه
 حنفی زمان ختنه سالهای مختلف (از هفت تا دوازده سالگی)
 ذکر شده است (به ابن نجیم، ج ۳، ص ۳۵۹؛ ابن عابدین، ج ۷،
 ص ۱۱۵). برخی فقهای مالکی و حنبلی ختنه کردن در هفتمین
 روز تولد را، از آن رو که سنت یهودیان بوده، مکروه شمرده اند
 (به ابن حجر عسقلانی، ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ بهوتی حنبلی، ج ۱،
 ص ۹۳). همچنین در احادیث شیعی از استحباب اطعام
 (ولیمه) برای ختنه و نیز خواندن دعایی مخصوص هنگام
 ختنه سخن به میان آمده است (به ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش،
 ج ۱، ص ۳۱۳؛ شهید ثانی، ج ۷، ص ۲۶۲۵؛ حرّعاملی، ج ۲۱،
 ص ۴۴۴). در شماری از منابع فقهی، آشکار ساختن ختنه
 دختران با دادن ولیمه مستحب به شمار نرفته یا تنها به
 دعوت از زنان توصیه شده است (برای نمونه به خطیب
 شریینی، ج ۳، ص ۲۴۵). در منابع دیگر، به استناد احادیثی که
 در آنها از معمول نبودن این سنت در زمان پیامبر اکرم سخن
 رفته، اصولاً ولیمه دادن برای ختنه مکروه شمرده شده است
 (به احمدین حنبل، ج ۴، ص ۲۱۷؛ دسوقی، ج ۲، ص ۳۳۷؛
 شوکانی، ج ۶، ص ۱۸۶).

منابع: علاوه بر قرآن و کتاب مقدس؛ صالح عبدالسمیع آبی ازهری،
 جواهر الاکتلیل، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا]؛ ابن اثیر، النهایة فی غریب
 الحدیث و الاثر، چاپ صلاح بن محمدین عویضه، بیروت ۱۴۱۸/
 ۱۹۹۷؛ ابن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم
 ۱۴۱۰-۱۴۱۱؛ ابن بابویه، علل الشرائع، نجف ۱۳۸۵-۱۳۸۶، چاپ افست
 قم [بی تا]؛ همو، کتاب الخصال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲ ش؛
 ابن تیمیة، شرح العمدة فی الفقه، ج ۱، چاپ سعود بن صالح عطشان،
 ریاض ۱۹۹۳/۱۴۱۳؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ
 محمدین عبدالرحمان عبدالله، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ ابن حجر عسقلانی،
 فتح الباری: شرح صحیح البخاری، بلاق ۱۳۰۰-۱۳۰۱، چاپ افست
 [بی تا]؛ ابن عابدین (محمدین محمدامین)، حاشیة قره عمیون الاخیار
 تکملة ردالمحتار علی الدر المختار: شرح تنویر الابصار، در
 ابن عابدین (محمدامین)، حاشیة ردالمحتار علی الدر المختار: شرح
 تنویر الابصار، ج ۸، چاپ افست بیروت ۱۹۷۹/۱۳۹۹؛ ابن عبدالبز،
 التمهید، ج ۲۳، چاپ سعید احمد اعراب، [ریاض] ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛
 همو، الکافی فی فقه اهل المدينة المالکی، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛
 ابن فدامه، المصنعی، بیروت [۱۳۴۷]، چاپ افست [بی تا]؛ ابن منظور؛
 ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸؛